

منابع

۱. الاقبال، علی بن موسی ابن طاووس، تهران، دار الکتب الاسلامیه، دوم، ۱۴۰۹ق.
۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۳. جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، علی بن موسی ابن طاووس، قم، دار الرضی، اول، ۱۳۳۰ق.
۴. فرهنگ فارسی عمید، حسن عمید، تهران، راه رشد، اول، ۱۳۸۹ش.
۵. کامل الزیارات، جعفر بن محمد ابن قولویه، نجف اشرف، دار المرتضویه، اول، ۱۳۵۶ش.
۶. مجمع البحرین، فخر الدین محمد طریحی، تهران، مرتضوی، سوم، ۱۳۷۵ش.
۷. المزار الکبیر، محمد بن جعفر مشهدی، قم، جامعه مدرسین، اول، ۱۴۱۹ق.
۸. مصباح المتبهج، محمد بن حسن طوسی، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، اول، ۱۴۱۱ق.

۳) کثرت روایت از راوی نشانه اعتماد به روایات منقول او

رسول طلائیان^{۱۳}

مهدی لاهیجی^{۱۴}

یکی از راه‌های احراز اعتبار حدیث و حکم به صدور آن از معصوم، اعتماد به راویان است. برای اعتماد کردن به راوی، زمینه‌های مختلفی وجود دارد؛ یکی از آنها، توثیق بزرگان حدیثی است. هنگامی که محدث بزرگی مانند شیخ صدوق یا شیخ طوسی، راوی را مورد اعتماد بداند، امکان اعتماد به وی از سوی دیگران هم وجود دارد. یکی دیگر از راه‌های اعتماد به روایت‌گران حدیث، بررسی رفتار نویسندگان منابع متقدم است. هنگامی که نویسندگان بزرگ حدیثی از یک راوی، روایات بسیاری نقل کنند، نشان‌دهنده اعتماد به اوست.^{۱۵} هرچند ثقات، گاهی از ضعف، نقل روایت می‌کردند؛ ولی هیچگاه از ضعف، نقل بسیار نکرده و آنها را به عنوان شیخ خویش قرار نمی‌دادند. نقل بسیار از ضعف

۱۳. پژوهشگر حوزه علمیه قم.

۱۴. پژوهشگر حوزه علمیه قم.

۱۵. ن. ک: عده الرجال، ج ۱ ص ۱۴۴.

موجب جرح ثقه می‌شد. صاحب معالم از همین راه، وثاقت گروهی از راویان همچون محمد بن سنان را احراز کرده است.^{۱۶}

در برابر، برخی معتقدند که کثرت روایت ثقه از یک راوی، نشانه اعتماد به او نیست. چه بسیارند ثقاتی که از غیر ثقه روایات بسیاری را نقل کرده‌اند.^{۱۷} این نگاه، مورد اعتراض کارشناسانی چون وحید بهبهانی قرار گرفته و آنها، تصویر واقعی را عکس این دانسته و معتقدند که بررسی وضعیت بسیاری از راویان، نشان می‌دهد که از ضعف، نقل کثیر نشده است.^{۱۸} برخی دیگر از کارشناسان، کثرت روایت نویسندگان خاصی چون کلینی، صدوق و طوسی را در کتاب‌هایی ویژه چون کافی، من لا یحضره الفقیه و تهذیب از یک راوی، دال بر وثاقت او شمرده و این قاعده را به همه نویسندگان و کتاب‌ها گسترش نداده‌اند.^{۱۹}

می‌توان گفت که اعتماد به راویان پُرروایت، مطلق نبوده و دارای شرایط و مراتبی است. شرط نخست آن است که نویسنده، از بزرگان حدیثی شیعه و مورد قبول جامعه علمی باشد. در غیر این صورت نمی‌توان احتراز وی نسبت به نقل کثیر از ضعف را احراز کرد. اما اگر مرجعیت علمی او در جوامع علمی شیعه، تثبیت شده باشد، با توجه به فرهنگ حدیثی آن روز، می‌توان گفت که وی نقل کثیر از ضعف نکرده و مشایخ اصلی او ضعیفان نبوده‌اند. شرط دوم، وجود روایات کثیر از یک نفر در منبعی است که بنای آن بر نقل هرگونه روایتی نبوده و نویسنده، فی الجمله، اعتبار صدوری روایت را احراز کرده باشد. از این رو می‌توان روایات کتب اربعه و برخی دیگر همچون کامل الزیارات را در این زمره به شمار آورد.

از سوی دیگر، شاید نتوان با این دو شرط، وثاقت راوی را احراز کرد؛ اما می‌توان روایات منقول وی در منابع این‌چنینی را قابل اعتماد شمرد. در حقیقت این نگاه، اعتماد کامل به راوی نیست؛ بلکه مرتبه‌ای از اعتماد به اوست که در این مرتبه، می‌توان روایات وی در منابعی خاص با نویسندگانی

۱۶. ن. ک: تحریر المقال، ص ۱۰۴.

۱۷. ن. ک: دروس تمهیدیه، ص ۲۴ و ۱۵۴؛ دروس فی علم الرجال، ص ۳۱؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۳۴۷؛ بحث فی علم الرجال، ص ۲۴.

۱۸. الفوائد، ص ۴۶.

۱۹. منتهی المقال، ج ۱، ص ۹۰.

ویژه را معتبر شمرد. شاید مقصود شهید اول از اینکه گفته: «به روایت راوی پُرروایتی که طعنی درباره او وارد نشده باشد، عمل می‌کنم.» همین است؛ هرچند این سخن مورد اعتراض شهید ثانی قرار گرفت.^{۲۰} می‌توان این مرتبه از اعتماد را نوعی مدح به حساب آورد.^{۲۱} برخی از صاحب‌نظران، شرط دیگری را افزوده‌اند و آن، کثرت روایت در احکام الزامی است.^{۲۲} به نظر نمی‌رسد که این شرط، شمول داشته باشد؛ بلکه می‌توان آن را گونه‌ای از تقویت یا احتیاط به حساب آورد.

منابع

۱. الالسس الحدیثیة و الرّجالیة عند العالمة محمّدتقی المجلسی، محمّدرضا جدیدی نژاد و عبد الهادی مسعودی، قم، دارالحدیث، اول، ۱۳۸۶ش.
۲. بحوث فی علم الرّجال، محمّدأصف محسنی، قم، المصطفی، اول، ۱۳۸۹ش.
۳. بهجة الأمال فی شرح زبدة المقال، ملّاعلی علیاری تبریزی، تحقیق سید هدایت الله مسترحمی، تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱ش.
۴. تحریر المقال فی کلیات علم الرّجال، مهدی هادوی تهرانی، قم، خانه خرد، اول، ۱۳۸۳ش.
۵. درس تمهیدیة فی قواعد علم الرّجال، محمّداقرا ایروانی، نجف، مکتبة الصّفا، اول.
۶. درس فی علم الرّجال، سید علی حسینی میرسجادی، تهران، منیر، اول، ۱۳۷۷ش.
۷. رجال الخاقانی، علی بن حسین خاقانی، تحقیق محمّدصادق بحر العلوم، قم، بوستان کتاب، دوم، ۱۴۰۴ق.
۸. طرائف المقال فی معرفة طبقات الرّجال، علی اصغر بن محمّدشفیع جاپلقی بروجردی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، اول، ۱۴۱۰ق.
۹. عده الرّجال، سید محسن اعرجی کاظمی، تحقیق مؤسسه الهدایه، قم، اسماعیلیان، اول، ۱۴۱۵ق.
۱۰. الفوائد الرّجالیة، مهدی کجوری شیرازی، تحقیق محمّدکاظم رحمان ستایش، قم، دار الحدیث، اول، ۱۳۸۲ش.
۱۱. الفوائد، محمّداقرا وحید بهبهانی، قم، بوستان کتاب، دوم، ۱۴۰۴ق.
۱۲. کلیات فی علم الرّجال، جعفر سبحانی، قم، جامعه مدرّسین، یازدهم، ۱۴۱۹ق.
۱۳. منتهی المقال، محمّد بن اسماعیل خایری مازندرانی، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السّلام، اول، ۱۴۱۶ق.
۱۴. نتیجة المقال فی علم الرّجال، محمّدحسن بارفروشی مازندرانی، چاپ سنگی.
۱۵. نهاية الذرایة، سید حسن صدر، تحقیق ماجد غرباوی، قم، مشعر.

۲۰. نهاية الذرایة، ص ۴۲۳.

۲۱. ن. ک: منتهی المقال، ج ۱ ص ۸۶؛ الفوائد الرّجالیة، ص ۱۰۵؛ طرائف المقال، ج ۲، ص ۲۶۱؛ الالسس الحدیثیة و الرّجالیه، ص ۱۷۲؛ رجال الخاقانی، ص ۲۴۵؛ نتیجة المقال (سنگی)، ص ۹۷.

۲۲. ن. ک: بهجة الأمال، ج ۱، ص ۱۷۰.